



KHAMENE'I.R.S.

گفت و گو با دکتر ابراهیم برزگر درباره «تحلیل‌های خطا در فرهنگ سیاسی ما ایرانیان»

سیاست با ابعاد کاریکاتوری

«توطئه‌انگاری» و «توطئه‌انکاری» تصویری کاریکاتوری از مسائل سیاسی ترسیم می‌کند

مهسار مضانی خبرنگار

اغلب وقتی به تحلیل سیاسی مسائل روز می‌پردازیم شاید ساده‌ترین و عامه‌ترین سطح تحلیل، استناد به «نظریه توطئه» و نسبت دادن مسائل به قدرت خارجی یا رقیب داخلی باشد، اما به واقع، در عمل چقدر این سطح از تحلیل می‌تواند در روشن شدن مسائل سیاسی کارساز باشد؟ به تازگی، کتابی با عنوان «توطئه‌انگاری و توطئه‌انکاری در تحلیل سیاسی» به قلم ابراهیم برزگر و به همت نشر معارف و پژوهشگاه فرهنگ و معارف اسلامی منتشر شده است. دکتر برزگر در این اثر، کوشیده تا ضمن هشدار در خصوص آسیب‌های «توطئه‌انگاری» (با کاف) از سطح تحلیل دیگری تحت عنوان «توطئه‌انکاری» (با کاف) نیز سخن بگوید و معتقد است که هر دو این تحلیل‌ها، می‌تواند تصویر کاریکاتوروار از مسائل در عرصه سیاست به ما نشان دهد و تنها با اتکا به حد وسط این دو است که می‌توان به تحلیل واقع‌گرایانه در خصوص مسائل سیاسی رسید. برزگر، استاد علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبایی است که آثاری همچون «تاریخ تحول دولت در اسلام و ایران»، «نظریه‌های بازتاب جهانی انقلاب اسلامی ایران»، «مطالعات میان‌رشته‌ای در ایران»، «روانشناسی سیاسی» و «پیامبر اسلام و انسان معاصر» را در کارنامه علمی خود دارد. او معتقد است توطئه‌انکاری بیماری فرهنگی و البته توطئه‌ور در فرهنگ سیاسی ما ایرانیان است که می‌تواند به مراتب برای کشور خطرناک‌تر از توطئه‌انکاری باشد. او پیمان «برجام» را محصول همین سطح از تحلیل سیاسی برمی‌شمارد.

جناب دکتر برزگر، پروژه فکری شما برای نگارش کتاب «توطئه‌انکاری و توطئه‌انکاری در تحلیل سیاسی» چه بود؟ چرا اساساً «نظریه توطئه» برای شما مسأله شد و تصمیم گرفتید پیرامون آن بنویسید؟

در تحلیل سیاسی، یک شیوه عموماً

به مناسبت بزرگداشت «روز جهانی آینده»

آینده‌نگری بدون کاربرد، وهم خالص است

دکتر رضا داوری اردکانی رئیس فرهنگستان علوم ایران

«آینده‌نگری» یک مطلب بحثی و نظری نیست؛ اکنون هیچ علمی را «نظری» و «بحثی» صرف نمی‌توان دانست اما بعضی علوم آشکارا علم عمل‌اند و از عمل جدا نمی‌شوند و اگر با عمل نباشند وجودشان هم وجهی ندارد. درست است که آینده‌نگری صورتی از پژوهش است و روش‌ها و قواعد و ضوابط دارد اما آینده‌نگری بدون کاربرد وهم خالص است و مثل این می‌ماند که نانوا با «مفاهیم» آرد ، آب ، خمیر ، آتش و تئور، نان بپزد و بخواهد به مردم بفروشد!

یکی از مشکلات فرهنگ ما تلقی خوشبینانه‌ای است که از آموزش محض داریم و می‌پنداریم که هر چه در مدرسه بیاموزیم در جان دانش‌آموز می‌نشیند و او به آموزش‌ها عمل می‌کند، اما واقعیت این است که درس‌ها در مدرسه وقتی مؤثر است که جزئی از زندگی باشد و در نظام کلی کشور مورد استفاده قرار گیرد. اگر آینده‌نگری نیست نه از آن رو است که برنامه‌نویسان قواعد آن را نمی‌دانند و باید قواعد و روش را یاد بگیرند و اگر یاد بگیرند مشکل رفع می‌شود. برای اینکه آینده‌نگری و برنامه‌ریزی میسر شود اول باید در راه آینده‌نگری و آینده‌سازی وارد شد تا نیاز به این آموزش پدید آید. به عبارت دیگر، باید به آینده رو کرد و قدم در راه آن گذاشت آنگاه است که به راه آموزی نیاز پیدا می‌شود.

«آینده» در نظر ما معمولاً روزها و سال‌هایی است که بعد از اکنون و امروز می‌آیند. این تصور یا توهم نادرست نیست اما آیا



KHAMENE'I.R.S.

برای نخستین‌بار در این کتاب مطرح می‌شود و منظور از آن، انکار و نادیده گرفتن نقش دشمنان خارجی و رقیبای داخلی در سیاست خارجی و داخلی است.

اگر توطئه‌انگاری و توطئه‌انکاری را دو سر یک طیف در نظر بگیریم، چگونه می‌توان به یک حد وسط و تعادلی در تحلیل‌های سیاسی رسید؟ در واقع، مرز این دو نگرش کجا است؟ و چگونه می‌توان در تحلیل‌های سیاسی در نقطه مطلوب ایستاد و نگرش واقع‌بینانه‌ای به مسائل سیاسی داشت؟

«واقع‌نگری» حد وسط دو تحلیل خطای توطئه‌انکاری و توطئه‌انکاری است. واقع‌نگری در تحلیل‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و اجتماعی به معنای «چند متغیره دیدن» این مسائل است؛ برای مثال، در بررسی مسائل اقتصادی، نسبت دادن مشکلات این حوزه، صرفاً به تحریم و توطئه دشمنان و امریکا خطا است، چون فارغ از نقش بسیار مهم این تحریم‌ها بر مشکلات اقتصادی، درصدی از ماجرا و مشکلات ما به سوءمدیریت‌ها در مدیریت کلان کشور برمی‌گردد. «واقع‌بینی» در تحلیل‌های اقتصادی و سیاسی، به معنای دیدن خطای خودمان در کنار توطئه و کارشکنی دشمن است.

بنابراین، هم توطئه‌انگاشتن صد درصدی حوادث و معضلات سیاسی و هم انکار صد درصدی توطئه‌ها خطا است؛ حد وسط این دو، رویکردی ترکیبی از هر دو است، چرا که سیاست حاصل کنش و واکنشی بین «ما» و «دیگری» است، مثل یک بازی شطرنج که دو طرف دارد و جابه‌جایی هر مهره و هر حرکت منوط به حرکت و کنش دیگری است.

اشاره کردید که «توطئه‌انکاری» در چند سال اخیر در ساخت سیاسی ما برجسته شده است. چقدر دلیل ظهور این پدیده را نتیجه توطئه‌انکاری افراطی مسائل می‌دانید؟

بله، همین‌طور است. در پس هر افراط یک تفریط نهفته است. این افراط متأسفانه در خیلی از مقولات سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی ما وجود دارد. بنابراین، توطئه‌انکاری می‌تواند معلول کاربرد افراطی توطئه‌انکاری باشد. از این رو، نسبت دادن تمام کاستی‌ها و ناملایمات به دخالت‌های خارجی یا رقیبان داخلی، اشتباه است و یکی از پیامدهای این شیوه افتادن از طرف دیگر بام است.

«افراط در توطئه‌انکاری» تنها یکی از دلایل ظهور پدیده توطئه‌انکاری بوده است و نباید از آسیب‌های فراوان پدیده توطئه‌انکاری غافل شد؛ یکی از نمونه‌های بارز توطئه‌انکاری را می‌توان در مقوله برجام دید. همان‌طور که می‌دانید پیمان برجام، بعد از چندین سال مذاکره‌های سنگین، براجتی از سوی دشمن نقض شد و با وجود اینکه ایران به تمام تعهداتش پایبند بود، امریکا با نقض تعهداتش از برجام خارج شد.

معتمد، برجام تجربه درس‌آموزی برای نسل جوان و تحلیلگران سیاسی ما بود تا ضمن

در نظر گرفتن متغیرهای دیگر در تحلیل‌های

سیاسی، هیچگاه توطئه دشمن را نادیده نرفته

و انکار نکنند.

به نظر می‌رسد که توطئه‌انکاری و توطئه‌انکاری

دوشنبه ۱۶ اسفند ۱۴۰۰

سال بیست و هشتم

شماره ۷۸۶۶

بیم‌نگاه

«توطئه‌انگاری» بیماری و حاصل نوعی بدبینی، نتیجه تفکرات قالبی و در واقع نوعی پارانویا در سیاست است. این تلقی از مسائل، مشکلاتی را در مدیریت کشور بویژه در سیاستگذاری‌ها، آینده‌پژوهی‌ها و تعیین راهبردها ایجاد می‌کند و فرصتی برای مدیران و سیاستگذاران است تا ناکارآمدی‌های خود را به «توطئه دشمن» فروکاسته و پشت آن پنهان شوند.

خطرات «توطئه‌انکاری» را بیشتر از «توطئه‌انکاری» می‌دانم به‌دلیل اینکه هر کشور در سطح سیاست رئالیستی و واقعی، دشمنانی دارد و ساده‌انگاری در این زمینه، امنیت کشور را به خطر می‌اندازد. یکی از نمونه‌های بارز توطئه‌انکاری را می‌توان در پیمان برجام دید. برجام، تجربه درس‌آموزی برای نسل جوان و تحلیلگران سیاسی ما بود تا ضمن در نظر گرفتن متغیرهای دیگر در تحلیل‌های سیاسی، هیچگاه توطئه دشمن را نادیده نگرفته و انکار نکنند.



خطرات «توطئه‌انکاری» را بیشتر

از «توطئه‌انکاری» می‌دانم به‌دلیل اینکه هر کشور در سطح سیاست رئالیستی و واقعی، دشمنانی دارد و ساده‌انگاری در این زمینه، امنیت کشور را به خطر می‌اندازد. یکی از نمونه‌های بارز توطئه‌انکاری را می‌توان در پیمان برجام دید. برجام، تجربه درس‌آموزی برای نسل جوان و تحلیلگران سیاسی ما بود تا ضمن در نظر گرفتن متغیرهای دیگر در تحلیل‌های سیاسی، هیچگاه توطئه دشمن را نادیده نگرفته و انکار نکنند.

«واقع‌نگری» حد وسط این دو تحلیل اشتباه توطئه‌انکاری و توطئه‌انکاری است. واقع‌نگری در تحلیل‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و اجتماعی به معنای «چند متغیره دیدن» این مسائل است، برای مثال، در بررسی مسائل اقتصادی، نسبت دادن مشکلات این حوزه، صرفاً به تحریم و توطئه دشمنان و امریکا خطا است، چون فارغ از نقش بسیار مهم این تحریم‌ها بر مشکلات اقتصادی، درصدی از ماجرا و مشکلات ما به سوءمدیریت‌ها در مدیریت کلان کشور برمی‌گردد.

عموماً در تحلیل سیاسی، یک شیوه سهل‌الوصول و مرسوم در مطبوعات و در میان افکار عمومی وجود دارد و آن استفاده از «نظریه توطئه» است؛ در این شیوه، حتی مسائل روزمره مثل افزایش یا کاهش قیمت نفت یا دلار، قتل و مرگ سیاستمداران و... به «قدرت خارجی» یا «رقیب داخلی» نسبت داده می‌شود.

به‌صورت دوره‌ای در فضای فکری و سیاسی ما پرنگ می‌شود، این امر چقدر باعث سنبوسی حرکت کردن سیاستگذاری‌ها شده و اساساً ما را با چه مسائلی مواجه می‌کند؟ در این کشور، وجود یک «نگرش رئالیستی» یا به تعبیر دیگر رویکرد ترکیبی از این دو را چقدر ضروری می‌دانید؟

من هم توطئه‌انکاری و هم توطئه‌انکاری را خطا می‌دانم و معتقدم توطئه‌انکاری، آسیب‌هایی به مراتب بیشتر را می‌تواند به‌دنبال داشته باشد. بنابراین، همان‌گونه که همه حوادث را به توطئه دشمن دیدن و نسبت دادن خطایی شناختی است به همان قیاس هم انکار توطئه، کوچک شمردن دشمن و عادی‌انگاری آن خطا است و می‌تواند آسیب‌های بسیاری را به‌دنبال داشته باشد. هر دو اینها بیماری فرهنگی هستند و انگیزه من در این کتاب، آسیب‌شناسی از این دو مقوله در فرهنگ سیاسی ایرانیان است.

همانطور که پیشتر هم عنوان کردم «توطئه‌انگاری» بیماری و حاصل نوعی بدبینی، نتیجه تفکرات قالبی و در واقع می‌توان گفت نوعی پارانویا در سیاست است. این تلقی از مسائل، مشکلاتی را در مدیریت کشور بویژه



KHAMENE'I.R.S.

اما اگر عزم و اراده رفتن نداشته باشند در هر فرصتی با بهانه‌های کنار راه می‌نشینند.

آینده‌نگری و برنامه‌ریزی آینده از عهده کسی برمی‌آید که زمین اکنون زیر پای خود را بشناسد، این کار با صرف دانستن و آموختن تمام نمی‌شود. بنابراین برگزاری روز آینده‌نگری لازم است اما باید برای تذکر باشد؛ تذکر به اینکه در کار آینده‌نگری تاکنون چه کرده‌ایم؟ و اگر کاری نکرده‌ایم مانع چه بوده؟ و چه اقدامی برای رفع آن شده است؟ و اکنون چه می‌توان و باید کرد؟ در این صورت روز آینده‌نگری جشن آینده‌نگری می‌تواند باشد.

مکتوب حاضر، ویرایش و تلخیص شده «ایران» از متن سخنرانی دکتر رضا داوری اردکانی است که در مراسم «بزرگداشت روز جهانی آینده» در محل فرهنگستان علوم ایران ارائه شد.

باشد. روندگان راه به سوی مقصد توسعه بنیه و قوه مشابه و مساوی ندارند اگر روندگان عزم و همت توسعه دارند، راه را بی‌وقفه طی می‌کنند

آن جهت ممتاز است که مبادی متفاوت است و کشورها از جایی که در آنجا توقف دارند باید سفر را آغاز کنند و چه بسا که راهشان پر از دشواری